

سنّ شروع حیض در دختران از منظر فقه امامیه

سید هادی حجازی^۱

چکیده:

دین مقدس اسلام، احکام خاصی برای زن حائض بیان کرده است بنابراین باید سنّ شروع حیض (عادت ماهانه) در دختران مشخص شود تا از آن سنّ، احکام خاص را مترتب کنند. دیدگاه برگزیده در این تحقیق این است که سنّ شروع حیض، ۹ سالگی است. اگر چه با نظر اجمالی و سطحی به اقوال فقهاء مشخص می شود که در مورد سنّ شروع حیض در بین علماء شیعه دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: سنّ شروع حیض، ۹ سالگی است دیدگاه دوم: سنّ شروع حیض، همان سنّ بلوغ است ولی با نظر دقیق، ثابت خواهد شد که برگشت دیدگاه دوم به دیدگاه اول است در نتیجه می توان گفت همه علمای شیعه دیدگاه واحد دارند یعنی همه قائل هستند که سنّ شروع حیض، ۹ سالگی است. سه دلیل بر این دیدگاه (سنّ شروع حیض، ۹ سالگی است) اقامه شده است: روایات، اجماع و دلیل خارجی. همچنین حکم خونی که قبل از ۹ سالگی خارج می شود مورد بررسی قرار می گیرد و به این نتیجه می رسیم که سنّ شروع حیض در دختران طبق روایات مطرح شده همان سن ۹ سالگی است.

کلیدواژه‌ها:

حیض؛ عادت ماهانه؛ بلوغ، بلوغ دختران، فقه امامیه،



شماره دوم
پاییز و زمستان
۱۴۰۲

^۱. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم

مقدمه

موضوع پژوهش بحث از سنّ شروع حیض (عادت ماهانه) در دختران است این تحقیق از ابتدای خلقت انسان وجود داشته و بحث از سنّ شروع حیض، در روایات اهل بیت علیهم السلام به چشم می خورد چنانکه در مباحث آینده به آنها پرداخته می شود. و فقهاء هم در کتب فقهی به بحث از آن همت گمارده اند ولی از آنجا که این موضوع به صورت مستقل تحت عنوان مقاله و تحقیق به آن پرداخته نشده لذا در این پژوهش سعی می شود از آن به صورت کامل بحث شود و روایات و اقوال فقهاء کاملاً مطرح و بررسی شود.

محور این پژوهش واکاوی سنّ شروع عادت ماهانه در دختران بوده و با این حال نکات دیگری در این زمینه مطرح می شود که بیان آنها در تبیین حدود بحث مفید فایده است:

نکته اول: حکم خونی که مقارن با ۹ سالگی خارج می شود.

نکته دوم: خصوصیات و علائم حیض و احکام مترتب بر شروع حیض.

نکته سوم: شمول ۹ سالگی بر سال غیر قمری.

نکته چهارم: مراد از ۹ سالگی، به صورت دقیق یا تقریبی.

هدف از این تحقیق اولاً: پژوهش از حیث نظریه پردازی مشتمل بر مباحث فقهی، اصولی و رجالی مفید می باشد. دوماً: این پژوهش از حیث کاربردی مفید فایده است چرا که برای دختران، سنّ شروع حیض را معین می کند که از نظر عملی از آن سنّ به بعد در صورت رؤیت خون حیض، محرّمات حائض بر او حرام است و همچنین در مجامع دادگاهی کاربرد دارد چرا که باید در صورتی که طلاق داده شد عده نگه دارد. با توجه به نکات مطرح شده واکاوی سنّ شروع حیض در دختران و بررسی سنّ ۹ سالگی در شروع حیض که آیا مراد سال قمری است یا شامل غیر قمری و همچنین مراد از ۹ سالگی در شروع حیض به صورت دقیق است یا به صورت تقریبی و در آخر حکم خون قبل از سنّ شروع حیض از مواردی است که در این پژوهش مرود بررسی قرار می گیرد.

مفهوم لغوی حیض

بعضی از لغویین مانند خلیل در عین تصریح کرده اند که حیض به معنای معروف (بدیهی نزد عرف) است. (خلیل بن أحمد فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳ ص ۲۶۷) و

راغب در مفردات گفته که حیض همان خونی است که با ویژه گی های خاصی از رحم خارج می شود. (حسین بن محمد راغب، ۴۱۲ق، ص ۲۶۵) ابن منظور در لسان العرب گفته حیض شدن زن بمعنای سیلان خون است. (محمد بن مکرم ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۷ ص ۱۲۴) ولی طریحی در مجمع البحرین تصریح کرده که حیض بمعنای اجتماع خون است. (فخر الدین طریحی، ۴۱۶ق، ج ۴ ص ۲۰۱) اما به نظر می رسد که در معنای حیض اختلاف ماهوی بین لغویون نیست چرا که سیلان و اجتماع اشاره دارد به همان خونی که با وصف خاص در زمان خاص در رحم جمع و سیلان پیدا می کند و از زن خارج می شود.

مفهوم اصطلاحی حیض

حیض در اصطلاح؛ معنای خاصی غیر از معنای لغوی و عرفی آن ندارد همانطور که مرحوم شهید ثانی در روض الجنان فرموده که بین معنای لغوی و اصطلاحی فرقی از جهت ماهیت نیست. (زین الدین عاملی شهید ثانی، ۴۰۲ق، ج ۱ ص ۱۶۸) چنانکه بسیاری از علماء تصریح کرده اند حیض به خونی گفته می شود که در رحم جمع می شود. مانند علامه حلی در نهایه الاحکام (حسن بن یوسف حلی، ۴۱۹ق، ج ۱ ص ۱۱۵) و محقق کرکی در جامع المقاصد (علی بن حسین عاملی محقق کرکی، ۴۱۴ق، ج ۱ ص ۲۸۱) و فاضل هندی در کشف اللثام (محمد بن حسن فاضل هندی، ۴۱۶ق، ج ۲ ص ۵۳)

مرحوم عاملی در مفتاح الکرامه پس از اذعان به اینکه بین تعریف لفظی و لغوی حیض از حیث ماهیت تفاوتی نیست فرموده کلمه حیض از مستحدثات و نوآوری های شریعت مقدسه نیست بلکه حیض از امور واقعیه است مانند بول و غائط که مراد شریعت از این الفاظ همان چیزی است که مردم قبل از آمدن شریعت می فهمیدند. سپس ایشان برای مدعای خویش شاهد آورده که شاهدش این است که راویان احادیث، از معنای حیض سؤال نکرده اند که حیض در اصطلاح شرع به چه معناست بلکه همان معنایی که از قبل در ذهنشان بود را بر لفظ حیض بار می کردند پس معلوم می شود معنای حیض پیش آنها کاملا واضح بوده و معنای لغوی با معنای شرعی و اصطلاحی فرقی نداشته است. سپس ایشان جواب از إشکال مقدر داده که اگر کلمه حیض از نوآوری های شرع نبوده پس چرا شرع برای آن علائم بیان کرده در حالی که احتیاج به بیان علائم نبوده چون معنای آن واضح بوده پس بیان علائم،



نشان دهنده این است که حیض در شرع، غیر از حیض، در لغت و عرف است. پاسخ این است که بیان علائم، توسط ائمه علیهم السلام برای خصوص زمانی است که خون حیض مشتبه شده با خونهای مشابهش (مانند استحاضه) که چگونه خون حیض شناخته شود نه اینکه در صدد این باشد که حیض در اصطلاح شرع با حیض در عرف فرق دارد. (جواد بن محمد عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۳ ص ۱۲۱)

شیخ انصاری در کتاب الطهاره فرموده اکثر قدماء مانند حلبی (تقی الدین أبو الصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۲۷)، سلار (حمزه بن عبد العزیز سلار، ۱۴۰۴ق، ص ۴۳)، شیخ طوسی (محمد بن حسن طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱ ص ۴۱)، قاضی ابن براج (عبد العزیز ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱ ص ۳۴)، ابن حمزه (محمد بن علی بن حمزه، ۱۴۰۸ق، ص ۵۶)، ابن ادریس (محمد بن منصور ابن ادریس حلبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱ ص ۱۴۳) و ابن سعید (یحیی بن سعید الحلّی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۱) حیض را خون معنی کرده و اصلاً تعرضی به معنای لغوی یا شرعی آن نکرده اند. سپس شیخ انصاری فرموده: علامه حلبی در منتهی المطلب (حسن بن یوسف علامه حلبی، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ص ۲۶۶) اولین کسی است که برای حیض معنای لغوی و شرعی را به صورت جداگانه مطرح کرده است. (مرتضی بن محمد شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳ ص ۱۱۷)

خصوصیات و علائم حیض

خصوصیات غالبی حیض بنا بر آنچه که مرحوم سید یزدی در عروه الوثقی فرموده عبارت است از: ۱- سیاه یا قرمز رنگ ۲- غلیظ ۳- تازه ۴- گرم ۵- خروج با قوت ۶- خروج با سوزش. (محمد کاظم طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱ ص ۳۱) در روایات به این علامات اشاره شده که به یک روایت آن اشاره می شود. حفص نقل می کند زنی وارد بر امام صادق شد و سؤال کرد از زنی که بصورت مستمر خون می بیند و نمی داند آیا حیض است یا غیرحیض؟ امام فرمودند خون حیض گرم، تازه، سیاه و با دفع و حرارت است... (محمد بن حسن حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲ ص ۲۷۵)

احکام مترتب بر شروع حیض

زمانی که زن حائض می شود از نظر شرعی احکام خاصی بر او مترتب می شود و این احکام چنانکه مرحوم سید یزدی در عروه الوثقی فرموده عبارت است از:

- ۱- حرمت عبادات مشروطه به طهارت مانند نماز، روزه، طواف، اعتکاف.

- ۲- حرمت مس اسم خدا و صفات خاصه اش و بلکه غیر خاصه اش و همچنین بنابر احتیاط مس اسماء انبیاء و ائمه(علیهم السلام) و همچنین مس کتابت قرآن.
- ۳- حرمت خواندن آیات سجده بلکه سوره های آنها بنابر احتیاط.
- ۴- حرمت مکث کردن در مساجد.
- ۵- حرمت قرار دادن چیزی در مساجد در صورتی که مستلزم ورود در آنها باشد.
- ۶- حرمت عبور از مسجد الحرام و مسجد النبی. و مشاهد مشرفه مانند سائر مساجد است غیر از رواقهای آنها.
- ۷- حرمت وَطْئِ در قُبُل و لو به داخل کردن حَشْفَه ولی وَطْئِ در دُبُر جایز بودنش محل اشکال است.
- ۸- وجوب دادن کفاره در صورت وطء.
- ۹- بطلان طلاق و ظهارش در صورتی که مدخول به باشد ولو در دُبُر.
- ۱۰- وجوب غسل - بعد از قطع شدن حیض- برای اعمال واجبی که مشروطه به طهارت است.

۱۱- وجوب قضاء آنچه که فوت شده در حال حیض مانند روزه ماه رمضان و غیر رمضان از روزه های واجب ولی نمازهای یومیه قضائش واجب نیست بر خلاف غیر یومیه مانند طواف و نذر معین و نماز آیات که بنابر احتیاط بلکه بنابر اقوی قضاء آنها واجب است. (محمد کاظم طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱ ص ۳۳۷)

مراد از ۹ سالگی خصوص سال قمری

علماء قائل شده اند که ۹ سالگی در زمان شروع حیض شامل سال غیر قمری مانند شمسی یا میلادی نمی شود (بین سال قمری و غیر قمری مانند شمسی و میلادی در تعداد روز اختلاف است مثلا سال قمری حدودا ۱۲ روز از سال میلادی کمتر است و وقتی در طول ۹ سال را حساب کنیم حدود سه ماه ونیم می شود) بلکه در مورد خصوص سال قمری است به دو دلیل:

دلیل اول: مرحوم شهید ثانی در مسالک الافهام (زین الدین بن علی عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱ ص ۵۷) و در روض الجنان (زین الدین بن علی بن احمد عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱ ص ۱۷۱) و مرحوم نجفی در جواهر الکلام (محمد حسن بن باقر نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶ ص ۴۰) فرموده اند سال قمری در آن زمان در میان اعراب متعارف بوده است.



دلیل دوم: مرحوم اردبیلی فرموده متبادر از سنّه در روایات همان سال قمری است (أحمد بن محمد مقدس أردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹ ص ۱۹۱) چنانکه امام خمینی در کتاب الطهاره فرموده که منصرف از سال، سال قمری است و شناخت سال شمسی محتاج به شناخت مبانی علمی و نجومی است که عامه مردم از آن بی خبرند خصوصا اعراب و خصوصا در آن زمان. (روح الله موسوی امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱ ص ۷۴)

همانطور که طریحی در مجمع البحرین به آن اشاره کرده است سال قمری حدوداً ۱۰ روز از سال شمسی کمتر است. (فخر الدین طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴ ص ۷۹)

تحقیقی (دقیق) بودن سنّ ۹ سالگی نه تقریبی

در این پژوهش ثابت می شود که سنّ ۹ سالگی سنّ شروع حیض است حال مراد از ۹ سالگی، به صورت دقیق است یا به صورت تقریبی؟ مدعا این است که مراد شارع از آن به صورت دقیق است یعنی دقیقا باید ۹ سال تمام شود به دو دلیل:

دلیل اول: بعضی قائل شده اند که مراد از این سنّ، تحقیق است نه تقریب به خاطر اینکه روایات، در مقام تحدید است و ظهور تحدید در تحقیق بودن است نه تقریب بودن چنانکه امام خمینی در کتاب الطهاره فرموده این دلیل خالی از وجه نیست.

دلیل دوم: امام خمینی در کتاب الطهاره به بعضی نسبت داده که دلیل بر اینکه مراد از سال، تحقیق است نه تقریب این است که تطبیق مفاهیم بر مصادیق و افرادش با دقت عقلی است نه اینکه عرفی باشد. سپس مرحوم امام به این دلیل اشکال کرده و فرموده این دلیل ضعیف است چرا که مبنای مخاطبات شرع مانند مخاطبات مردم است و شکی نیست که مخاطبات عرفیه مبتنی بر دقت عقلیه نیست ولو در تشخیص مصادیق. نظیر اینکه زمانی که می گوید لباس را از خون تطهیر کن پس همانگونه که مفهوم آن از عرف گرفته می شود همچنین ملاک در تشخیص مصداق هم عرف است پس رنگ خون از نظر عقلی خون است و لکن شستنش لازم نیست چونکه عرفا خون نیست بلکه رنگ خون است پس ملاک در تشخیص مفاهیم و مصادیق نظر دقیق عرفی است نه مسامحه عرفی. (روح الله موسوی امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱ ص ۷۲).

نکته: (مراد از سال)

همانطور که مرحوم نجفی در جواهر فرموده: مراد از سال یعنی حاصل شدن دور کامل تا همان زمانی که متولد شده مثلاً هنگام ظهر روز پنجم ماه رجب به دنیا آمده و سال گذشت تا رسید به همان ظهر پنجم رجب. (محمد حسن بن باقر نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳ ص ۱۴۲)

سنّ شروع حیض

أقوال فقهاء

در مورد سنّ شروع حیض در دختران در بین علماء شیعه دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: (۹ سالگی)

مشهور علماء شیعه مانند شیخ در مبسوط (محمد بن حسن طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱ ص ۴۲)، شهید اول در دروس (محمد بن مکی عاملی شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۱ ص ۹۷) و لمعه (محمد بن مکی عاملی شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۷)، ، فاضل هندی در کشف اللثام (محمد بن حسن فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲ ص ۵۳) و مفهوم کلام عاملی در مدارک (محمد بن علی موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱ ص ۳۱۶) که قائل هستند سنّ شروع حیض ۹ سالگی قمری است. یعنی همین که دختر سنّ ۹ سالگی را تمام کرد اگر خونی ببیند این خون حکم حیض را دارد.

نظریه دوم: (بلوغ)

بعضی از علماء شیعه مانند علامه حلی در قواعد (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱ ص ۲۱۲) و مفهوم کلام محقق کرکی در جامع المقاصد (علی بن حسین عاملی محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱ ص ۲۸۱) که فرموده اند که سنّ شروع حیض ، همان سنّ بلوغ است.

ولی از آنجائی که مراد از بلوغ به نظر علامه حلی (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱ ص ۳۸۳) و کرکی (علی بن حسین عاملی محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۵ ص ۱۸۲) همان سنّ ۹ سالگی است پس قهراً می توان گفت که نظریه اول و دوم بر این مطلب اتفاق دارند که سنّ شروع حیض همان سنّ ۹ سالگی است. پس نظریه اول و دوم در واقع نظریه واحد است و آن اینکه نظر تمام علماء شیعه این است که سنّ شروع حیض، همان سنّ ۹ سالگی است.



شماره دوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

نکته: مراد از ۹ سالگی، اتمام ۹ سال است کما اینکه شهید ثانی در مسالک(زین الدین بن علی عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱ ص ۵۶) و عاملی در مدارک الاحکام(محمد بن علی موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱ ص ۳۱۵) و فاضل هندی در کشف اللثام(محمد بن حسن فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲ ص ۵۳) به آن اشاره فرموده اند که مراد از ۹ سالگی، تمام شدن ۹ سال است. امام خمینی در کتاب الطهاره در مقام استدلال بر اینکه باید ۹ سال تمام شود فرموده ۹ سال صدق نمی کند مگر بر کسی که ۹ سالش تمام شود. سپس مرحوم امام تعلیل آورده و فرموده فرق است بین اینکه بگویند آمده بر او ۹ سال و اینکه بگویند آمده بر او سال نهم، پس با ورود زن در سنّ ۹ سال صدق میکنند که آمده بر او ۹ سال و لکن بر او سال نهم نیامده بلکه کمتر از آن آمده مانند اینکه هنوز نرسیده به ۹ سال(روح الله موسوی امام خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱ ص ۷۲).

أدله فقهاء

علماء شیعه برای اثبات اینکه سنّ شروع حیض ۹ سالگی است سه دلیل آورده اند که عبارت است از روایات، اجماع و دلیل خارجی. که این ادله در این مجال مورد بررسی قرار می گیرد.

دلیل اول: (روایات)

در بین روایات سه روایت وجود دارد که ادعا شده دلالت دارد بر اینکه دختر قبل از ۹ سالگی حیض نمی شود پس در نتیجه زمان شروع حیض دختران سنّ ۹ سالگی است.

۱. روایت ابن حجاج: این حجاج از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که امام فرمودند سه گروه هستند که در هر صورت ازدواج می کنند یکی زنی که هنوز حیض نشده است در حالی که زن مثل او حیض نمی شود راوی می گوید از امام سؤال کردم که حدش چقدر است امام فرمود زمانی که کمتر از ۹ سال باشد و یکی زنی که به او دخول نشده و یکی زنی که از حیض مأیوس شده در حالی که زن مثل او حیض نمی شود.(محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶ ب ۲۴ ابواب کتاب الطلاق ح ۴ ص ۸۵)

مرحوم بحرانی در حدائق(یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۶۹) از این روایت به عنوان صحیح و مرحوم نجفی در جواهر(محمد حسن بن باقر نجفی،

۱۴۰۴ ق، ج ۳ ص ۱۴۲) به عنوان موثقه یاد کرده اند. ولی مرحوم نراقی در مستند الشیعه (مولى احمد بن محمد مهدى نراقى، ۱۴۱۵ق، ج ۲ ص ۳۷۴) از این حدیث به عنوان روایت یاد کرده است. شاید علت اینکه نراقی نسبت به این حدیث نفرموده موثقه یا صحیحه یکی از دو علت زیر باشد:

علت اول: در سند این روایت سهل بن زیاد است که در اینکه خبرش حجت است یا نه اختلاف است چرا که بعضی مانند نجاشی گفته اند ضعیف و غیر معتمد است. احمد بن علی نجاشی، ۱۴۰۷ق، باب السین/۱۸۵) تا آنجا که ابن غضائری در رجالش فرموده روایت و دینش فاسد است. (احمد بن حسین بن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۶۶) و مرحوم حلی در خلاصه فرموده مرحوم شیخ طوسی در رجالش (محمد بن حسن طوسی، ۱۳۸۱ق، باب السین/۳۸۷) گفته ثقّه است و در فهرستش (محمد بن حسن طوسی، بی تا، باب السین/باب الواحد/۲۲۸) گفته ضعیف است. (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۳۸۱ق، باب السابع فی الآحاد/۲۲۸)

علت دوم: در سند این روایت عبد الرحمن بن حجاج بجلی است که در مورد او هم اختلاف است چرا که بعد از شهادت امام کاظم (علیه السلام) بر ایشان باقی ماند و امامت امام رضا (علیه السلام) را قبول نکرد. ولی مرحوم نجاشی فرموده وی به مذهب حق رجوع کرده و امام رضا (علیه السلام) را ملاقات کرده و بعضی به او نسبت داده اند که از کیسانیه بوده است. همچنین مرحوم نجاشی فرموده ثقّه، ثبت و وجه است. (احمد بن علی نجاشی، ۱۴۰۷ق، باب العین/۲۳۷) تا جائی که رجال ابن داود نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) نسبت به او شهادت به بهشت داده اند (حسن بن علی بن داود حلی، ۱۳۸۳ق، جزء ۱/باب العین/۲۲۳)

۲. روایت ابن حجاج: ابن حجاج نقل میکند که از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که امام فرمودند سه گروه هستند که در هر حال می توانند ازدواج کنند یکی زنی که از حیض شدن مأیوس شده در حالی که زن مثل او حیض نمی شود... و یکی زنی که هنوز حیض نشده در حالی که زن مثل او حیض نمی شود ابن حجاج می گوید سؤال کردم چه زمانی این گونه می شود امام فرمودند تا زمانی که به ۹ سالگی نرسیده باشد حیض نمی شود در حالی که زن مثل او حیض نمی شود و یکی زنی که به او دخول نشده است. (محمد بن حسن طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷ ب ۴۱ ابواب کتاب النکاح ح ۸۹ ص ۴۶۹)



مرحوم بحرانی در حدائق (یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۶۹) و مرحوم عاملی در مستند الشیعه (مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲ ص ۳۷۴) فرموده اند سنّ این روایت موثقه است ولی صاحب جواهر (محمد حسن بن باقر نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳ ص ۱۴۲) و شیخ در کتاب الطهاره (مرتضی بن محمد شیخ أنصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۳ ص ۱۳۶) فرموده اند صحیحه است. ظاهراً اختلاف علماء در اینکه این روایت صحیحه است یا موثقه به خاطر وجود عبد الرحمن بن حجاج است که در مورد او در سند روایت قبل کاملاً بحث شد و گفته شد که در مورد او اختلاف است لذا بعضی قائل شده اند که صحیحه است و بعضی قائل شده اند که موثقه است. دلالت روایت اول و دوم بر مدعا تمام است چرا که هر دو دلالت دارند بر اینکه حدّ سنی که دختر حیض نمی شود و در هر صورت می تواند ازدواج کند و احتیاج به عده ندارد، سنّ ۹ سالگی است که معنایش این است که دختر از ۹ سالگی به بعد حیض می شود پس سنّ شروع حیض در دختر ۹ سال است.

۳. روایت ابن سنان: عبد الله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که امام فرمودند زمانی که پسر بچه برسد به ۱۳ سالگی برای او حسنه و سیئه نوشته می شود و عقاب می شود و زمانی که دختر بچه برسد به ۹ سالگی همانگونه است (برای او حسنه و سیئه نوشته می شود و عقاب می شود) زیرا دختر بچه در سنّ ۹ سالگی حیض می شود. (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷ ص ۱۱ از ابواب کتاب الطلاق ج ۶ ص ۶۸)

مرحوم بحرانی در حدائق (یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۶۹) پس از تمسک به دو روایت اول این روایت سوم را به عنوان مؤید آورده و از آن به عنوان روایت یاد کرده و فرموده موثقه یا صحیحه در حالی که این روایت موثقه است چرا که درست است که چند نفر از راویان آن مانند حسن بن محمد بن سماعه (احمد بن علی نجاشی، ۱۴۰۷ ق، باب الألف منه/ باب الحسن و الحسین/ ۴۰) و جعفر بن محمد بن سماعه (احمد بن علی نجاشی، ۱۴۰۷ ق، باب الجیم/ ۱۱۹) واقفی هستند ولی در عین حال توثیق دارند لذا این روایت موثقه می شود.

بحرانی فرموده از این روایت استفاده می شود که حیض لازمه سنّ ۹ سالگی است. یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۷۰ یعنی دختر قبل از ۹ سالگی حیض

نمی شود پس دلالت این روایت هم بر اینکه سنّ شروع حیض ۹ سال است تمام است.

دلیل دوم: (اجماع)

۱- اجماع محصل

برخی از علماء در این مسأله، وقوع اجماع محصل را ادعاء کرده اند مانند محقق حلی در معتبر که فرموده این مسأله اتفاقی و مذهب اهل علم است. (نجم الدین جعفر بن حسن محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱ ص ۱۹۹) و علامه حلی در منتهی المطلب فرموده این مسأله مذهب اهل علم است کافئاً (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ص ۲۷۱) و مرحوم آردبیلی فرموده ظاهر این است که علماء بر این مطلب اجماع کرده اند. (أحمد بن محمد مقدس آردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱ ص ۱۴۲) همچنین مرحوم بحرانی (یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۳ ص ۱۶۹)، بهبهانی (محمد باقر وحید بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱ ص ۱۲۷) و شیخ أنصاری (مرتضی بن محمد شیخ أنصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳ ص ۱۳۶) به اجماع تمسک کرده اند.

۲- اجماع منقول

برخی از علماء مانند مرحوم عاملی در مدارک (محمد بن علی موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۱ ص ۳۱۶) نقل اجماع کرده از مرحوم علامه در منتهی. (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲ ص ۲۷۱)

نقد اجماع

با توجه به اینکه اجماع منقول - طبق نظر محققین از فقهاء - از حجیت ساقط است و اجماع محصل هم در مانحن فیه، اجماع مدرکی است یعنی مدرک مجمعی همان روایاتی است که مطرح شد و در علم اصول ثابت شده که اجماع مدرکی از حیث اجماع بودن حجت نیست و باید به مدرک مجمعی مراجعه شود. پس استدلال به هر دو قسم اجماع، باطل است.

دلیل سوم: (وجود خارجی)

علامه حلی در منتهی فرموده مرجع ما در اینکه سنّ حیض چه سنّی است وجود خارجی آن است و در بین زنان کسی را نیافتیم که قبل از سنّ ۹ سالگی حیض



شماره دوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

بشود. (همان، ج ۲ ص ۲۶۹) ظاهر استدلال ایشان این است که عدم وجدان، دلیل می شود که سنّ شروع حیض در دختران همان ۹ سالگی است.

نقد دلیل سوم

عدم وجدان دلیل شرعی نمی باشد چونکه:

اولاً: استقراء ایشان مبنی بر عدم وجدان، استقراء ناقص است نه تام چونکه استقراء تام عرفاً ممکن نیست و با استقراء ناقص هم نمی توان استدلال کرد.

ثانیاً: بر فرض که در یک زمان استقراء تام انجام شود و ثابت شود که هیچ زنی قبل از سنّ ۹ سالگی حیض نمی شود این دلیل نمی شود که در همه زمانها این گونه باشد بلکه شاید در آینده دختری قبل از سنّ ۹ سالگی حیض ببیند.

حکم خون قبل از ۹ سال

مشهور علماء فرموده اند که خونی که دختر قبل از سنّ ۹ سالگی می بیند حیض

نیست مانند شیخ در مبسوط (محمد بن حسن ابو جعفر طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱

ص ۴۲)، ابن ادریس حلی در سرائر (محمد بن منصور ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱

ص ۱۴۵)، محقق حلی در شرایع (نجم الدین جعفر بن حسن محقق حلی، ۱۴۰۸ ق،

ج ۱ ص ۲۱)، علامه حلی در قواعد (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱

ص ۲۱۲)، عاملی در مدارک (محمد بن علی موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱ ص ۳۱۶)،

فاضل هندی در کشف اللثام (محمد بن حسن فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲ ص ۵۳)،

بحرانی در حدائق (یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۶۹)، نراقی در

مستند (مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲ ص ۳۷۴).

بلکه بعضی مانند علامه حلی در تذکره (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱

ص ۲۵۲)، عاملی در مفتاح الکرامه (جواد بن محمد عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳ ص ۱۳۲) و

سید یزدی در عروة (محمد کاظم طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱ ص ۳۱۵) تصریح

کرده اند که ولو آن خون علائم حیض را داشته باشد باز هم حیض نیست.

امام خمینی در کتاب الطهاره فرموده اگر زنی قبل از سنّ بلوغ خونی ببیند که زنان

بالغه به صورت منظم و مرتب در هر ماه، ۳ یا ۵ روز مثلاً می بینند به گونه ای که

علم پیدا کند که این خون همان خونی معهودی است که به حسب عادت در رحم

قرار می گیرد حکم به حیضیت آن نمی شود نه به خاطر اینکه این خون حیض

نیست بلکه به خاطر اینکه شارع مقدس طبیعتهای شاذ و نادر را از حکم غالب زنان و نوع آنها ساقط کرده است. (روح الله موسوی امام خمینی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱ ص ۹)
 علما برای اینکه ثابت کنند خون قبل از ۹ سالگی حیض نیست به ادله ای تمسک کرده اند که به برخی از آنها اشاره می شود:
 دلیل اول: همان ادله ای که دلالت داشت که سنّ شروع حیض ۹ سالگی است بالاتزام دلالت دارد که خون قبل از آن، حیض نیست و الاّ تحدید سنّ شروع حیض به ۹ سالگی لغو می شود.

دلیل دوم: اجماع

۱- اجماع محصل

شهید اول در ذکری (محمد بن مکی عاملی شهید اول، ۱۴۱۹ ق، ج ۱ ص ۲۲۸)، عاملی در مدارک الاحکام (محمد بن علی موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱ ص ۳۱۶)، فاضل هندی در کشف اللثام (محمد بن حسن فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲ ص ۵۳)، بحرانی در حدائق الناضره (یوسف بن احمد بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳ ص ۱۶۹) ادعای اجماع و عدم خلاف کرده اند.

۲- اجماع منقول

مرحوم نراقی فرموده که دو اجماع (محصل و منقول) داریم بر اینکه خون قبل از ۹ سالگی حیض نیست (مولی محمد مهدی نراقی، ۱۴۲۲ ق، ص ۲۵۸) همچنین پسر مرحوم نراقی هم فرموده است که هم اجماع محقق داریم و هم اجماع محکی. (مولی احمد بن محمد مهدی نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲ ص ۳۷۴) چنانکه امام خمینی در کتاب الطهاره فرموده که ادعای اجماع بر این مطلب تکرار شده است. (روح الله موسوی امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱ ص ۷۱)

دلیل سوم: مقدس اردبیلی فرموده اگر خونی از دختر در زمان صغیر بودنش خارج شود و علامت حیض را داشته باشد اطلاق ادله ای که علامات حیض را بیان میکند این است که این خون هم حیض است در صورتی که اجماع و نص بر عدم حیض بودن آن نداشته باشیم ولیکن ظاهراً اجماع داریم که حیض نیست و مستند این اجماع اخبار است. (أحمد بن محمد مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱ ص ۱۴۲)
 دلیل چهارم: علامه حلی در نهاییه (حسن بن یوسف علامه حلی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱ ص ۱۱۶) تمسک کرده به حکمت حیض، به این صورت که خداوند حیض را در زنان



قرار داده به خاطر تغذیه بچه در رحم مادر. حال دختر بچه ای که صلاحیت برای حمل ندارد قهرا حیض هم ندارد چونکه حکمتش هم نیست.

نقد دلیل چهارم: دلیل علامه حلی صحیح نیست چرا که وقتی ایشان قبول دارد که تغذیه بودن حیض، حکمت است نه علت قهرا منافات ندارد که حکمت نباشد ولی موضوع باشد چون فرض این است که حکمت است لذا ولو دختر قبل از سنّ بلوغ صلاحیت حمل را ندارد ولی این منافات ندارد که به خاطر مصالح دیگر خون حیض ببیند.

وقتی ثابت شده که خون قبل از ۹ سالگی حیض نیست این سؤال پیش می آید که از نظر شرعی چه خونی است؟

علامه حلی فرموده چنین خونی حکم استحاضه را دارد و اگر چه فعلا وظیفه ای ندارد (چون مکلف نشده) ولی زمان تکلیفش باید وضوء یا غسل انجام دهد به همان تفصیلی که در جای خودش مطرح است. (همان، ج ۱ ص ۱۲۵) همچنین ابن فهد حلی در رسائلش (احمد بن محمد جمال الدین حلی، ۱۴۰۹ق، ص: ۴۷) و محقق کرکی در جامع المقاصد (علی بن حسین عاملی محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۱ ص ۳۳۸) تصریح کرده اند که چنین خونی استحاضه است.

البته امام خمینی در تحریر الوسیله فرموده که هر خونی که دختر بچه قبل از تمام شدن ۹ سالگی ببیند حیض نیست اگر چه به صفات حیض باشد و در اینکه استحاضه باشد - با اینکه علم ندارد به اینکه غیر استحاضه باشد - تردید است اگر چه بعید نیست. (روح الله موسوی امام خمینی، بی تا، ج ۱ ص ۴۴)

کاشف الغطاء در رسائلش فرموده خونی که دختر بچه قبل از سنّ ۹ سالگی می بیند استحاضه است و تعلیل آورده به اینکه اصل در خونها - بعد از اینکه حیض بودنش منتفی شود - استحاضه است. (حسن بن جعفر نجفی کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق، ص ۲۵۷)

نکته: حکم خونی که دختر دقیقا مقارن با ۹ سالگی می بیند چیست؟
ظاهرا مرحوم حکیم تنها کسی است که این فرع را مطرح کرده است چرا که در مستمسک فرموده خونی که دختر دقیقا مقارن با سنّ ۹ سالگی رؤیت می کند حکم حیض را دارد. (محسن طباطبائی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۳ ص ۱۵۳).

حکم شک در بلوغ و خروج خون با صفات

در صورتی که دختری شک دارد که بالغ شده (۹ سالگی) یا نه و اتفاقاً خونی با صفات حیض از او خارج شد حکمش چیست؟

مرحوم سید یزدی در عروۃ الوثقی فرموده در چنین صورتی حکم به حیض بودنش می شود و خود این خروج خون با صفات حیض علامت بلوغش است بلکه اگر یقین دارد که بالغ نشده و چنین خونی خارج شد حکم به حیض بودنش نمی شود و این مراد ماست از اینکه می گوئیم شرط خون حیض ، بلوغ است. (محمد کاظم طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱ ص ۳۱۶) ولی حقیق خوئی این بحث را در دو مقام مطرح فرموده است.

مقام اول: (مقام ثبوت)

این خونی که قبل از سن ۹ سالگی خارج می شود آیا ثبوتاً ممکن است که حیض باشد یا نه؟

مقتضای اخباری که وارد شده در اینکه دختر بچه قبل از اینکه ۹ سالش کامل شود حیض نمی بیند - مانند صحیحه ابن حجاج - این است که حیض قبل از کامل شدن ۹ سالگی متحقق نمی شود و لو اینکه علائم حیض را داشته باشد.

اشکال: این تحدید به ۹ سالگی در روایات بر غلبه حمل می شود چونکه حیض امر واقعی است که در خارج ، واقع می شود ولو قبل از کامل شدن سن ۹ سالگی ، لذا مانعی وجود ندارد از اینکه خون حیض قبل از کامل شدن سن ۹ سالگی خارج شود. پاسخ: اولاً: این ادعا خلاف ظاهر اخباری است که در مقام تحدید فرموده دختر بچه قبل از کامل شدن سن ۹ سالگی حیض نمی بیند.

ثانیا: اگر ملاک غلبه است ، غالباً این گونه است که دختر قبل از سن ۹ سالگی و بلکه بعد از کامل شدن سن ۹ سالگی حیض نمی شود چرا که متعارف این است که دختر خون حیض را قبل از سن ۱۳ سالگی نمی بیند پس بنابر این فائده تحدید به ۹ سالگی در روایات چیست؟ پس اخبار محدده لغو می شود. (أبو القاسم موسوی خوئی، ۱۴۱۸ ق، ج ۷ ص ۷۵).



مقام دوم: (مقام اثبات)

اگر شک کردیم در دختر بچه به سن ۹ سالگی رسیده و بالغ شده یا نه و از او خونی خارج شد که صفات حیض را داشت آیا این خون نشانه حیض بودن و بالغ شدن است یا نه؟

عده ای از علماء در این مساله قائل هستند اگر صفات حیض را داشته باشد حکم به حیض بودنش می شود و این صفات حیض اماره و نشانه این است که او به سن ۹ سالگی رسیده است این نظریه هم درست نیست چون حکم به حیض و بلوغ به خاطر نشانه های حیض خالی از دو صورت نیست:

صورت اول: شک در حیضیت خون که در این صورت ممکن نیست که حکم کنیم که این خون حیض است چونکه حیض مشروط به رسیدن به ۹ سالگی است و با شک در تحقق شرط بلکه تعبد به نبودن شرط به خاطر استصحاب عدم بلوغ چگونه ممکن است که حکم به حیض بودن و بلوغ بکنیم؟

صورت دوم: علم به حیضیت خون که در این صورت هم معنی ندارد که بگوئیم اماره بلوغ است چرا که علم به حیض بودن مساوی است با علم به اینکه دختر بچه به سن ۹ سالگی رسیده چونکه لازمه حیض، رسیدن به ۹ سالگی است و در صورتی که علم به تحقق ۹ سالگی نداریم چگونه علم داریم که خون، حیض است. (همان).

سن شروع حیض
در دختران از منظر فقه امامیه

نتیجه گیری

در مورد سن شروع حیض در بین علمای امامیه دو دیدگاه وجود دارد (سن ۹ سالگی و سن بلوغ) که بر گشت هر دو به دیدگاه واحد است که همان سن ۹ سالگی است و علماء به سه دلیل تمسک کرده اند که عبارتند از:

دلیل اول: (روایات) سه روایت مطرح شد که دو روایت از ابن حجاج و روایت سوم از ابن سنان که هر سه روایت از نظر سندی مشکل ندارند اگر چه در بعضی از سندها اشکالاتی بود ولی در مجموع این روایات یا مصححه هستند یا موثقه و قابل اعتمادند. و از نظر دلالتی هم اشکالاتی مطرح شد که پاسخ آنها بیان شد و نتیجه این شد که دلالت روایات تمام است و مشکل دلالتی ندارد.

دلیل دوم: (اجماع) که هم به اجماع محصل استدلال شده بود و هم به اجماع منقول و ثابت شد که هر دو اجماع مخدوش است چرا که اجماع منقول حجت نیست و

اجماع محصل هم مدرکی است و مدرک آن همان روایاتی است که مطرح شد و در علم اصول ثابت شده که اجماع مدرکی از حیث اجماع بودن حجت نیست و باید به مدرک مجمعین مراجعه شود.

دلیل سوم: (استقراء) بعضی از علماء به استقراء تمسک کرده بودند به این بیان که دختری را نیافتیم که قبل از سن ۹ سالگی، حیض شده باشد پس این دلیل می شود که سن شروع حیض همان سن ۹ سالگی است که به این دلیل هم اشکال شد که چنین استقرائی ناقص است و حجت نیست.

نتیجه نهائی: سن شروع حیض در دختران همان سن ۹ سالگی است به دلیل سه روایت که از نظر سند و دلالت تمام هستند.

همچنین ثابت شد که مراد از ۹ سال در سن شروع حیض، سال قمری است و شامل سال میلادی و شمسی نمی شود به دو دلیل اولاً: در زمان صدور روایات، سال قمری، در بین اعراب متعارف بوده است. ثانیاً: متبادر از سال در روایات، سال قمری است چرا که شناخت سالهای دیگر مانند سال شمسی متوقف بر شناخت مبانی نجومی است که عامه مردم از آن بی خبرند بخصوص اعراب در آن زمان.

چنانکه ثابت شد که مراد از ۹ سالگی در سن شروع حیض، بصورت دقیق است نه تقریبی به سه دلیل:

اولاً: در مقام تحدید بودن روایات: که تحدید با تقریبی بودن سازگار نیست. این دلیل تمام بود.

ثانیاً: تطبیق مفاهیم بر مصادیقش با دقت عقلی است نه مسامحه عرفی که این دلیل مخدوش است چرا که مبنای مخاطبات شرع مانند مخاطبات عرف است و شکی نیست که مخاطبات عرفیه مبتنی بر دقت عقلیه نیست ولو در تشخیص مصادیق.

ثالثاً: مقتضای اصل لفظی و عملی در حدود شرعیه تحقیقی و دقیق بودن است نه اینکه شامل تقریبی هم بشود. که این دلیل هم تمام بود.

نتیجه این شد که به دو دلیل (دلیل اول و سوم) مراد از ۹ سالگی به صورت دقیق است نه تقریبی.

اما در مورد اینکه خون قبل از سن ۹ سالگی چه حکمی دارد بیان شد که علماء قائل هستند که حیض نیست و به چهار دلیل تمسک کرده اند:



۱- ادله داله بر سن شروع حیض ۲- اجماع ۳- تخصیص اطلاقات به اجماع ۴- حکمت حیض و ثابت شد که دلیل اول و سوم حجت است ولی دلیل دوم و چهارم مخدوش است و برای استدلال مفید نیست همچنین بیان شد که ماهیت چنین خونی، این است که حیض نیست و لکن خونی که مقارن با ۹ سالگی خارج می شود حیض است.



سن شروع حیض
در دختران از منظر فقه امامیه

فهرست منابع

قرآن کریم

اردبیلی، أحمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.

افریقی، محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر (دار صادر)، ۱۴۱۴ق.

انصاری، مرتضی بن محمد، کتاب الطهاره، چاپ اول، قم، کنگره جهانی شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.

بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضره، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ق.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.

حلبی، تقی بن نجم أبو الصلاح، الکافی فی الفقه، چاپ اول، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۰۳ق.

حلی، احمد بن محمد جمال الدین، الرسائل العشر، چاپ اول، قم، انتشارات مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

حلی، حسن بن علی بن داود، رجال ابن داود، بی چاه تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، خلاصه الأقوال، بی چاه، نجف، منشورات مطبعه حیدریه، ۱۳۸۱ق.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، قواعد الأحكام، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، منتهی المطلب چاپ اول، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه، ۱۴۱۲ق.

حلی (علامه)، حسن بن یوسف، نهاییه الأحكام، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق.



شماره دوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

حلی، محمد بن منصور ابن إدريس ، السرائر، چاپ دوم، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ق.

حلی(محقق)، نجم الدين جعفر بن حسن ، شرائع الإسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه إسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.

حلی(محقق)، نجم الدين جعفر بن حسن، المعتبر، چاپ اول، قم، مؤسسه سيد الشهداء(ع)، ۱۴۰۷ق.

حلی، يحيى بن سعيد ، الجامع للشرائع، چاپ اول، قم، مؤسسه سيد الشهداء العلمیة، ۱۴۰۵ق.

خواجهی مازندرانی، إسماعیل ، الرسائل الفقهيّة، چاپ اول، قم، دار الكتاب الإسلامي، ۱۴۱۶ق.

راغب اصفهانی، حسين بن محمد ، مفردات، چاپ اول، بیروت، دار العلم- دار الشاميّة، ۱۴۱۲ق.

سلار، حمزه بن عبد العزيز ، المراسم العلویة، چاپ اول، قم، منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ق.

طباطبائی حکیم، سيد محسن ، مستمسک العروة، چاپ اول، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.

طباطبائی یزدی، سيد محمد کاظم ، العروه الوثقی، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹ق.

طرابلسی، عبد العزيز بن براج ، المهذب، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۶ق.

طریحی، فخر الدين ، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.

طوسی(شيخ الطائفة)، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب- الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.

طوسی(شيخ الطائفة)، محمد بن حسن ، رجال الطوسی، بی چا، نجف، انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.

طوسی (شيخ الطائفة)، محمد بن حسن ، الفهرست، بی چا، نجف، مکتبه الرضویة، بی تا.

طوسی (شیخ الطائفة)، محمد بن حسن ، المبسوط، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق.

طوسی، محمد بن علی بن حمزه ، الوسيله، چاپ اول، قم، مكتبه آية الله مرعشي، ۱۴۰۸ق.

عاملی، جواد بن محمد ، مفتاح الكرامه، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين، ۱۴۱۹ق.
عاملی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علی، روض الجنان، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۰۲ق.

عاملی(شهيد ثانی)، زين الدين بن علی، مسالك الأفهام، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف-الإسلامية، ۱۴۱۳ق.

عاملی (شهيد اول)، محمد بن مکی ، الدروس، چاپ دوم، قم، إنتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۷ق.

عاملی (شهيد اول)، محمد بن مکی ، ذكرى الشيعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۱۹ق.

عاملی (شهيد اول)، محمد بن مکی ، اللمعة الدمشقية، چاپ اول، بيروت، دار التراث، ۱۴۱۰ق.

غضائری، احمد بن حسين، الرجال لابن الغضائری، بی‌چاپ، قم، مؤسسه مطبوعاتی إسماعيليان، ۱۳۶۴ق.

فراهیدی، خليل بن أحمد ، كتاب العين، چاپ دوم، قم، منشورات الهجره، ۱۴۱۰ق.
كركى (محقق)، علی بن حسين ، جامع المقاصد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت(ع)، ۱۴۱۴ق.

كلینی، محمد بن يعقوب ، الكافي، چاپ چهارم، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

موسوی خوئی، أبو القاسم، موسوعة الإمام الخوئی، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار امام خوئی، ۱۴۱۸ق.

موسوی امام خمینی، سيد روح الله ، تحرير الوسيلة، چاپ اول، قم، مؤسسه دار العلم، بی تا.

۴۲. موسوی امام خمینی، روح الله، كتاب الطهارة، چاپ اول، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ق.



موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارک الأحكام، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، بی چا، قم انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.

نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر، أنوار الفقاهة، چاپ اول، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق.

نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام، چاپ هفتم، بیروت دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۵ق.

نراقی، مولی محمد مهدی، معتمد الشیعة، چاپ اول، قم، کنگره بزرگداشت نراقی، ۱۴۲۲ق.

وحید بهبهانی، محمد باقر، مصابیح الظلام، چاپ اول، قم، مؤسسه الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ق.

هندی (فاضل)، محمد بن حسن، کشف اللثام، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.

سن شروع حیض

در دختران از منظر فقه امامیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی